

بررسی روابط بینامتنی قرآن کریم و دعای ابوحمزه ثمالی

کاظم حریف بیلندی^۱

doi 10.61186/QAE.2024.1548.1092

صاحبعلی اکبری^۲

چکیده

«بینامتنیت» (intertextuality) از جمله گرایش‌های نقد جدید می‌باشد که به ارتباط و تعامل بین متون می‌پردازد. براساس این نظریه آثار ادبی در تعامل با یکدیگر شکل گرفته و هر متنی زائیده متون پیشین است. این نظریه، در حوزه تفسیر و فهم متون کاربرد فراوانی دارد. قرآن کریم منبعی با مفاهیم و آموزه‌های بلند معنوی است که مضامین آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در آثار ائمه معصومان علیهم‌السلام به ویژه امام سجاد علیه‌السلام بازتاب داده شده است. روابط بینامتنی قرآن کریم با ادعیه به گونه‌ای زیبا و هماهنگ شکل گرفته است. این مقاله به بررسی دعای ابوحمزه ثمالی از منظر روابط بینامتنی می‌پردازد و پس از ارزیابی برخی بندهای منتخب این دعا براساس اصول و قواعد این نظریه، بر آن است تا تأثیرپذیری امام سجاد علیه‌السلام از آیات قرآن را تبیین کرده و نقش اطلاعات بینامتنی در فرایند فهم را روشن سازد.

واژگان کلیدی: بینامتنیت، تفسیر، قرآن کریم، امام سجاد علیه‌السلام، دعای ابوحمزه ثمالی.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، harif1360@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، akbari-s@um.ac.ir

آثار براساس نظام‌ها و رمزگان‌ها و سنت‌های ایجادشده توسط آثار پیشین، بنا می‌شوند. متن‌ها فاقد هرگونه معنای مستقل هستند. در واقع متون متشکل از همان چیزی هستند که آن را امر بینامتنی می‌نامند. کار خوانش، ما را به شبکه‌ای از روابط متنی وارد می‌کند. در واقع تأویل کردن متن (کشف کردن معنا یا معانی آن) ردیابی همین روابط است. معنا نیز چیزی می‌شود که بین یک متن و دیگر متون مورد اشاره و مرتبط با آن موجودیت می‌یابد و این برون‌روی از متن مستقل و ورود به شبکه‌ای از مناسبات متنی است؛ یعنی متن بینامتن می‌شود (آلن، ۱۳۸۰: ۱۱ و ۱۲).

ادعیه و زیارات مکتوب از جمله متونی هستند که مفسر باید به روابط بینامتنی میان قرآن و آن‌ها توجه کند؛ بدین صورت که این متون می‌توانند در کشف معانی و دلالت‌های نص و دیگر فعالیت‌های تفسیری کمک کنند؛ اما در تعیین روابط ادعیه و زیارات با قرآن، به آن صورت، کاری انجام نشده است که چه روابط معنایی میان این متون و قرآن امکان‌پذیر است.

با توجه به اینکه این ادعیه و زیارات از جانب حضرات معصومان علیهم‌السلام صادر شده و از جهت مفاهیم و معانی ارتباط بسیار نزدیکی با قرآن دارند، می‌توانیم برای آن‌ها با قرآن رابطه تفسیری در نظر بگیریم.

این مقاله ابتدا به بررسی انگاره‌های بینامتنیت که روشی جدید در تفسیر متون است پرداخته و سپس به صورت نظری و با روش توصیفی تحلیلی به انطباق این دستاوردها، با تکیه بر دعای ابوحمزه ثمالی دست می‌زند تا نقش این روش در فهم متون را روشن سازد.

۱. مفهوم‌شناسی دعا

دعا خواندن و خواستن است؛ خواندن آفریدگار و خواستن حاجت‌ها از او که می‌داند و می‌تواند و خواندن ما را هم دوست دارد و به آن امر می‌کند. دعا کشش قلبی بنده به سوی پروردگار مهربانش و برقرار کردن رابطه انس با محبوب و از خوش‌ترین حالات روحی است (رکنی یزدی، ۱۳۹۱: ۱۶ و ۱۷). دعا مغز عبادت (حراعلمی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۲۸)

و سلاح مومن است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۳، ۲۸۹) و قضا را برمی گرداند؛ ولو اینکه قطعی شده باشد (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۴، ۲۱۶).

سیاق ادعیه با سیاق روایات یکسان نیست. لطایف شوقی و عرفانی و مقامات ذوقی و شهودی ادعیه در روایات کمتر دیده می شوند؛ زیرا در روایات مخاطب مردم اند و معصومان علیهم السلام در تعامل با آنان به فراخور فهم و معرفتشان با ایشان سخن می گفتند؛ اما در دعا و مناجات با جمال و جلال و حسن مطلق و معشوق حقیقی در رازونیا بودند؛ لذا آنچه در نهان خانه سِرّ و نگارخانه عشق و بیت المعمور ادب داشتند به زبان می آوردند (عمرانی، ۱۳۹۱: ۱۰).

در مجموع می توان بیان کرد که ارتباط امام سجاد علیه السلام با آیات قرآن از یک طرف و اُنس ایشان با مناجات و ادعیه از طرفی دیگر باعث شده تا حضرت میان این دو پیوندی استوار ایجاد کنند؛ به گونه ای که از آیات قرآنی در لابه لای کلام خویش استفاده کرده و متنی یکپارچه را تولید کنند.

از آنجاکه بسیاری از فرازهای این ادعیه با آیات شریفه قرآن تعامل دارند، ارزیابی و نقد این تعامل در ذیل عنوان «بینامتنیت» یا «تناص» قرآنی، عنایتی خاص می طلبد و این مقاله به این مهم پرداخته است.

۲. محتوای دعای ابو حمزه ثمالی

محتوای این دعا از جهت ظاهری به یک مقدمه و دو فصل تقسیم پذیر است:

مقدمه: از «اللّٰهِي لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ» تا «يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ»؛

فصل اول: از «بِكَ عَرَفْتُكَ» تا «سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي»؛

فصل دوم: از «اللّٰهُمَّ اشْعَلْنَا بِذِكْرِكَ» تا «يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ».

این دعای شریف از جهت محتوای معنوی و باطنی نیز تصویری از بیش از هزار آیه قرآن است که امام زین العابدین علیه السلام این آیات را در قالب دعا و نیایش قرار داده و با بیانی بسیار عمیق و ظریف و در شکل رازونیا با معبود خویش، پیامها و مواظب اخلاقی و اعتقادی بس عالی را به جامعه بشریت تعلیم می دهد.

۳. پیشینه و چیستی بینامتنیت

یکی از مباحث مطرح در علم نشانه‌شناسی نظریه بینامتنی است (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۳۰۸). بر پایه اصل اساسی بینامتنیت، هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷). این سؤال همیشه مطرح بوده که آیا به یاری دیگر اندیشه‌ها می‌توان اندیشید. پذیرش پاسخ منفی به این پرسش به معنای به رسمیت شناختن مفهومی است که امروزه آن را بینامتنیت می‌خوانیم (آلن، ۱۳۸۵: ۷).

به‌طور کلی بینامتنیت نحوه حضور یک متن در متن دیگر را بررسی می‌کند و با حذف مفاهیمی چون مؤلف و تاریخ و جامعه متن را مستقل، ولی وابسته به متون دیگر، در نظر می‌گیرد. براساس نظریه بینامتنی، هر متن بر پایه متونی که پیش‌تر خوانده‌ایم معنا می‌دهد (احمدی، ۱۳۷۰: ۳۲۷).

اصطلاح بینامتنیت را نخستین بار جولیا کریستوا به کار برده است؛ هرچند که پیش‌از وی مفهوم آن در آثار صورت‌گرایان روسی نیز مشاهده می‌شود. تلاش این دانشمند برای تلفیق دیدگاه‌های سوسور و باختین، نخستین تبیین را برای نظریه بینامتنیت پدید آورد (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳). کریستوا بینامتنیت را با این جمله بیان کرده است: «هیچ متنی جزیره‌ای جدا از دیگر متون نیست.» این اصطلاح به رابطه‌های گوناگونی اشاره دارد که متون را از لحاظ صورت و مضمون به هم پیوند می‌دهند. هر متنی در ارتباط با متون دیگر وجود دارد و ارتباط یک متن با متون دیگر، از ارتباط آن با پدیدآورنده‌اش بیشتر است. پدیدآورندگان متون و بافت‌ها و سیاق‌هایی را گرد می‌آورند که درون آن‌ها می‌توان متون دیگر را خلق و تفسیر کرد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۳۶).

سوسور به ارتباط نشانه‌ها با یکدیگر نظر داشت. یکی از معایب دیدگاه او و ساختارگرایان این بود که متن را هویتی جدا و بسته در نظر می‌گرفتند و فقط به ساختار درونی آن توجه می‌کردند. در مقابل، پس‌اساختارگرایان و کریستوا مفهوم بینامتنیت را مطرح کردند. کریستوا متون را در قالب دو محور می‌دید: یکی محور افقی که مؤلف و خواننده متن را به هم ارتباط می‌دهد و دیگر محور عمودی که متن را به متون دیگر ارتباط می‌دهد و کدهای مشترک این دو محور را با هم یکی می‌سازد. هر متنی و هر قرائتی هم به کدهای پیشین بستگی دارد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۳۶ و ۴۳۷).

بارت با توجه به نظریات کریستوا متن را به دو دسته زایشی و پدیداری تقسیم می‌کند. متن پدیداری بخش ظاهری متن و متن زایشی لایه زیرین آن است که موجب دلالت‌پردازی می‌شود. این بینامتن است که به متن زایشی امکان تأویل‌های گوناگون را می‌بخشد؛ زیرا با بینامتن آواهای گوناگون در کنار هم قرار می‌گیرند و این وضعیت چندآوایی موجب تکثر معنا می‌شود. مخاطب با توجه به متن‌های پیشین با قسمت‌ها و لایه‌های گوناگون متن ارتباط برقرار کرده و آن را تفسیر می‌کند (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۹۵ و ۱۹۶).

از نگاه اکو نقش تجربه‌های پیشین خواننده در خوانش متن پسین اهمیت بسیار دارد. او از خواننده می‌خواهد برای دریافت بهتر معنای متن توانایی‌های بینامتنی خود را از راه آشناسدن با جایگاه نشانه‌های متن پسین در متن‌های پیشین افزایش دهد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۴۳)؛ گویی هر اندازه خواننده متن از دستگاه‌های نشانه‌ای مرتبط با متن بیشتر آگاه باشد بهتر می‌تواند بخش‌های پنهان معنای آن را دریابد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

۴. ارکان عملیات بینامتنی

هر بینامتنی دارای سه رکن اساسی است: متن حاضر و متن غایب و عملیات بینامتنی.

۱.۴. متن حاضر

اولین عنصر پدیده بینامتنی را می‌توان متن حاضر یا متن اصلی نامید. متن حاضر همان متنی است که پیش روی خواننده است و در تعامل با متون دیگر قرار گرفته و خواننده درصدد یافتن منشأ این متن است.

۲.۴. متن غایب

در پدیده بینامتنی هر متنی می‌تواند دارای یک یا چند سند مختلف باشد که برای فهم و تحلیل آن باید به آن اسناد ارجاع داد و این متن ارجاعی همان است که متن اصلی را تفسیر می‌کند. این سند در بینامتنی متن غایب نامیده می‌شود و این نظریه باعث تولید متن اصلی شده و وجود آن مدیون متن غایب است.

۳.۴. عملیات بینامتنی

کوچ لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر عملیات بینامتنی نام دارد که تبیین آن مهم‌ترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. هر متنی متون مختلفی را در خود

جای داده و در شکل جدیدی آن‌ها را بازآفرینی کرده است؛ به گونه‌ای که از آن‌ها در این متون چیزی جز اشاراتی باقی نمانده تا خواننده را به متن پنهان راهنمایی کند (میرزایی و وحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۵ و ۳۰۶).

۵. اقسام روابط بینامتنی

از نگاه کریستوا متن‌های پسین می‌توانند با متن‌های پیشین به صورت کنش گرایانه رفتار کنند و نشانه‌های آن‌ها را تغییر دهند (آلن، ۱۳۸۵: ۵۹).

براین اساس کریستوا نسبت میان نگاه نفی ارتباط متن‌های پسین و پیشین را بر سه گونه تقسیم کرده است: ۱. نفی کامل؛ قاعده «حوار» یا نفی کلی؛ ۲. نفی متقارن؛ قاعده «امتصاص» یا نفی متوازی؛ ۳. نفی بخشی؛ قاعده «اجترار» یا نفی جزئی (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۱۵۹ و ۱۶۰). این قواعد سه گانه روابط بین متن‌های حاضر و غایب را تفسیر می‌کنند.

۱.۵. نفی جزئی

در این نوع از روابط بینامتنی مؤلف جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد. در این صورت متن حاضر ادامه متن غایب است و کمتر نوآوری در آن وجود دارد. متن برگرفته از متن غایب می‌تواند یک کلمه یا جمله یا عبارت باشد.

۲.۵. نفی متوازی

این نوع از روابط بینامتنی از نوع قبلی برتر است. در نفی متوازی متن پنهان پذیرفته شده و به صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است.

۳.۵. نفی کلی

این نوع از روابط بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد که متن پنهان را به زیرکی درک کند؛ زیرا مؤلف در این نوع از روابط متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند؛ به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌رود و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۳۷).

این سه نوع رابطه بین متن‌های غایب و حاضر مهم‌ترین بخش بینامتنی است که روابط بینامتنی آن را تبیین می‌کند.

در تبیین روابط بینامتنی قرآن با ادعیه ائمه علیهم السلام، قرآن متن غایب و ادعیه متن حاضر است. روابط بینامتنی تعامل این دو متن را روشن می‌کند. فراوانی تعامل کلام آن امامان علیهم السلام با قرآن کریم از ویژگی‌های برجسته این ادعیه به شمار می‌رود و این امر نشان‌دهنده آن است که ایشان از متن قرآن آگاهانه بهره گرفته تا بتوانند مقصود خود را جذاب‌تر و اثرگذارتر بیان کنند.

۶. روابط معنایی ادعیه و زیارات با آیات قرآن

مجموعه آیات و روایات با یکدیگر جنبه تفسیری و تبیینی دارند؛ زیرا در مجموع به منزله گفتار یک گوینده است که با آوردن قرآنی در آغاز یا وسط یا پایان گفتار خود حق دارد مقصود خود را برساند. براین اساس توجه به رابطه روایات با قرآن و بالعکس حائز اهمیت زیادی است. مفاهیمی همچون مجمل و مبین، عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و... بر همین اساس شکل گرفته است (نصیری، ۱۳۸۵: ۲۵۰).

ادعیه و زیارات مکتوب از جمله متونی هستند که مفسر باید به روابط بینامتنی میان قرآن و آن‌ها توجه کند. پذیرش رابطه بینامتنی میان ادعیه و زیارات با قرآن بدین معناست که این متون می‌توانند در کشف معانی و دلالت‌های قرآن و دیگر فعالیت‌های تفسیری کمک کنند و توجه به آن‌ها برای مفسر ضروری است. مفسران درباره روابط درونی میان آیات قرآن و نحوه تفسیر آیات با آیات بحث کرده‌اند؛ اما در تعیین روابط ادعیه و زیارات با قرآن کار جدی صورت نگرفته و بحث نشده است که چه روابط معنایی میان این متون و قرآن امکان دارد.

با توجه به اینکه این ادعیه و زیارات از جانب حضرات معصومان علیهم السلام صادر شده و از جهت مفاهیم و معانی ارتباط نزدیکی با متن قرآن دارند، می‌توانیم برای آن‌ها با قرآن یک رابطه تفسیری در نظر بگیریم؛ بدین صورت که مفسر باید به روابط معنایی این ادعیه و زیارات با قرآن توجه داشته باشد و با استفاده از روابط همنشینی و جانشینی بین ادعیه و زیارات با قرآن اطلاعات معنایی جدیدی به دست بیاورد (قائم‌نیا، ۱۳۸۹: ۴۵۲).

زرکشی در البرهان فی علوم القرآن در فصلی از پشتیبانی سنت از قرآن سخن گفته است. وی در توضیح، این مطلب را افزوده است که قرآن و سنت همواره همدیگر را در استیفای حق و اخراج آن از مدارج حکمت یاری می‌رسانند. همچنین او موارد گوناگونی

از روابط موجود میان روایات و آیات و نحوه همکاری این دو را با مثال‌های فراوانی برمی‌شمارد. به‌اجمال این موارد را بیان می‌کنیم. این موارد عبارتند از: تخصیص عموم، تفسیر اجمال، بیان ارتباط، تصریح، بیان تعریض، تفصیل و مصداق، تصدیق و بیان کیفیت (زرکشی، ۲۰۰۹: ج ۲، ۱۳۹).

ما می‌توانیم بین ادعیه و آیات قرآن نیز برخی از این ارتباطات و نسبت‌ها را داشته باشیم؛ برای نمونه چند مورد از روابط بین ادعیه و آیات قرآن را بیان می‌کنیم:

۱.۶. تفصیل

متن حاضر (زیارت جامعه کبیره): «إِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ». (قمی، ۱۳۸۳: ۱۰۶۳)؛ (بازگشت خلق به سوی شما و حسابشان با شماست.)

متن غایب (قرآن): «إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» (غاشیه، ۲۵ و ۲۶)؛ «در حقیقت بازگشت آنان به سوی ماست. آن‌گاه حساب [خواستن از] آنان به‌عهده ماست.»

کیفیت ارتباط: در آیه شریفه ضمیر متکلم مع‌الغیر آمده که مبهم است و نیاز به تفصیل دارد. فقره دعا این معنا را تفصیل می‌دهد.

۲.۶. تاکید و تصدیق

متن حاضر (دعای اذن دخول حرم‌های شریف): «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ، عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي وَ أَنْتَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ.» (قمی، ۱۳۸۳: ۶۱۷ و ۶۱۸)؛ «خدایا! من حرمت صاحب این زیارتگاه شریف را در غیابش باور دارم؛ چنان‌که در حضورش به این اعتقاد دارم و می‌دانم که رسولت و جانشینانت، درود بر آنان باد، همواره زنده‌اند، نزد تو روزی داده می‌شوند، محل ایستادنم را می‌بینند و سخنم را می‌شنوند و به سلامم پاسخ می‌دهند؛ ولی تو گوشم را از شنیدن کلامشان محجوب کرده‌ای.»

متن غایب: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹)؛ «هرگز کسانی را که در راه خداوند ﷻ کشته شده‌اند مرده مپندار؛ بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

کیفیت ارتباط: در آیه ۱۶۹ سوره آل عمران خداوند ﷻ شهدا را زنده می‌داند که نزد پروردگارش روزی دارند. براین اساس در این فقره از دعا بر زنده بودن و روزی داشتن ائمه معصومان علیهم‌السلام که بزرگ‌ترین شهدا هستند تأکید می‌کند و اعلام می‌دارد که مانند سایر انسان‌های زنده شاهد ما هستید، جایگاه ما را می‌بینند، سخن ما را می‌شنوند و سلام ما را پاسخ می‌دهند.

۳.۶. بیان مصداق

متن حاضر (دعای اذن دخول حرم‌های شریف): «اللَّهُمَّ إِنِّي وَفَّقْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ يَبُوتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ.» (قمی، ۱۳۸۰: ۸۱۷)؛ «خدایا! بر دری از درهای خانه‌های پیامبرت، درود تو بر او و خاندانش، ایستاده‌ام و به تحقیق تو مردم را از اینکه بدون اجازه‌اش وارد شوند منع کرده‌ای.»

متن غایب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ» (احزاب، ۵۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، داخل اتاق‌های پیامبر مشوید؛ مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود.»

کیفیت ارتباط: خداوند ﷻ در آیه شریفه مردم را از ورود بدون اجازه به خانه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منع می‌کند. این فقره از دعا بیان می‌کند که خانه نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تنها خانه‌های ایشان در مدینه نیست؛ بلکه تمام حرم‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام از مصدقش هستند و لذا برای ورود به آنها نیاز به اذن ورود است.

۴.۶. تفسیر اجمال

متن حاضر (صحیفه سجادیه): «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَفَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَ اشْغَلْهُ بِذِكْرِكَ وَ انْعَسُهُ بِخَوْفِكَ وَ بِالْوَجَلِ مِنْكَ وَ قَوِّهِ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ أَمَلُهُ إِلَى طَاعَتِكَ وَ اجْرِبْهُ فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ وَ دَلَّهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلِّهَا.» (انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۱۷)؛ «الهی بر محمد و آلش درود فرست و قلبم را خلوتگه محبت خود ساز و به یاد خود مشغول دار و به خوف و هراس از خود نشاط بر عملش ده و به رغبت به سوی خود نیرومندش ساز و به سوی طاعت خود تمايلش ده و در خوشایندترین راه‌های به سوی خود روانش ساز و در تمام دوره زندگی‌م این قلب را به رغبت در آنچه نزد توست رام گردان.»

متن غایب: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (شعراء، ۸۸ و ۸۹)؛ «روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد؛ مگر کسی که دلی پاک به‌سوی خداوند ﷻ بیاورد.»

کیفیت ارتباط: امام سجاد علیه السلام در یک ارتباط بسیار زیبا، قلب سلیم را برای ما تفسیر می‌کند و معنای روشنی از قلب سلیم به دست می‌دهند. بر این مبنا ایشان برای قلب سلیم هفت نشانه ترسیم می‌کنند که عبارتند از: ۱. گرایش فقط به‌سمت خداوند ﷻ؛ ۲. مشغول بودن فقط به یاد خداوند ﷻ؛ ۳. بیدار بودن قلب به‌وسیله ترس از خداوند ﷻ؛ ۴. قوی شدن قلب با امید و شوق به خداوند ﷻ؛ ۵. جهت‌گیری قلب به‌سوی اطاعت و بندگی خداوند ﷻ؛ ۶. حرکت در مسیر محبت به خداوند ﷻ؛ ۷. رام شدن قلب با اشتیاق به آنچه نزد خداوند ﷻ است (محمدی، ۱۳۹۴: ۵۸ تا ۶۳).

۵.۶. بیان کیفیت

متن حاضر (دعای توسل): «إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ [...] يَا سَادَتِي وَ مَوَالِيَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ أَيْمَتِي وَ عُدَّتِي لِيَوْمِ فُقْرِي وَ حَاجَتِي إِلَى اللَّهِ وَ تَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ اسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ فَاسْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ وَ اسْتَنْقِدُونِي مِنْ ذُنُوبِي عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّكُمْ وَسَيْلَتِي إِلَى اللَّهِ وَ بِحُبِّكُمْ وَ بِقُرْبِكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رَجَائِي يَا سَادَتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ.» (قمی، ۱۳۸۳: ۲۲۹)؛ «به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به‌سوی خداوند ﷻ به تو توسل جستیم و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم. ای آبرومند نزد خداوند ﷻ! برای ما نزد خداوند ﷻ شفاعت کن. [...] ای آقایان و سرورانم، من به شما پیشوایان و توشه‌هایم برای روز تنگدستی روی آوردم و نیازم به‌سوی خداوند ﷻ است و توسل جستم به‌سوی خداوند ﷻ؛ پس در نزد خداوند ﷻ واسطه من شوید و مرا پیش خداوند ﷻ از گناهانم رهایی بخشید که تنها شما وسیله من به‌جانب خداوند ﷻ هستید. من با دوستی با شما و نزدیک شدن به شما امیدوار نجات از جانب خداوند ﷻ هستم؛ پس نزد خداوند ﷻ امید من باشید، ای آقایان من و دوستانم خداوند ﷻ!»

متن غایب: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده، ۳۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند ﷻ پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوید.»

کیفیت ارتباط: با دقت در مفاد دعای توسل به یک برداشت کلی از مفهوم «وسیله» دست پیدا می‌کنیم که عبارت است از: شفیع و ارتباط‌دهنده انسان به خداوند عز و جل که بین انسان خطا کار و خدایش واسطه می‌شود.

خلاصه، ادعیه و زیارات می‌توانند با آیات قرآن، ارتباط‌های مختلف داشته و رابطه تفسیری برقرار کنند و در نتیجه به استعداد‌های نشانه‌شناختی آن‌ها فعلیت ببخشند.

حال با تبیین عملیات بینامتنی و اقسام این ارتباط، به صورت کاربردی به بررسی روابط بینامتنی بین آیات قرآن و مصادیقی از دعای ابوحمزه ثمالی می‌پردازیم. الگوی به کاررفته در این نوشتار بر پایه بینامتنیت استوار است.

۷. تطبیق نمونه‌ها

در اینجا اقسام رابطه بینامتنیت دعای ابوحمزه ثمالی با قرآن را بیان می‌کنیم.

۱.۷. بینامتنیت دعای ابوحمزه ثمالی با قرآن به صورت نفی جزئی

در این نوع از رابطه بینامتنی، چنان‌که قبلاً اشاره شد، عین متن قرآنی، بدون هیچ گونه تغییری چه در ظاهر الفاظ و چه در معنای آن‌ها، در متن حاضر به کار می‌رود. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

۱.۱.۷. نمونه اول

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ ﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً﴾؛ «خدایا، تو گفتی و گفتارت بر حق و وعده‌ات درست است: ”و از فضل خداوند عز و جل درخواست کنید که خداوند عز و جل به هر چیزی داناست.“»

ا. متن حاضر: ﴿وَأَسْأَلُوا...﴾ [زحیماً] (نساء، ۳۲).

ب. متن غایب: ﴿وَأَسْأَلُوا...﴾ [زحیماً] (نساء، ۳۲).

ج. عملیات بینامتنی: امام سجاد علیه السلام قسمتی از آیه ۳۲ سوره نساء را عیناً در بین کلامشان آورده‌اند.

۲.۱.۷. نمونه دوم

«یا واسعَ الْمُعْفِرَةِ، یا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ.»؛ «ای فراغ آمرزش، ای گشاده دو دست به رحمت.»

ا. متن حاضر: «یا واسعَ الْمُعْفِرَةِ.»

ب. متن غایب: «إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمُعْفِرَةِ» (نجم، ۳۲).

ج. عملیات بینامتنی: امام سجاده علیه السلام قسمتی از آیه ۳۲ سوره نجم را عیناً در بین کلامشان آورده‌اند.

۳.۱.۷. نمونه سوم

«إِذِ الْخَلَائِقُ فِي سَانَ غَيْرِ سَانِي * لِكُلِّ امْرِي مِنْهُمْ يَوْمِنِدِ سَانُ يَغْنِيهِ * وَجُوهُ يَوْمِنِدِ مُسْفِرَةٌ * ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ * وَوُجُوهٌ يَوْمِنِدِ عَلَيْهَا غَبْرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتْرَةٌ * وَ ذِلَّةٌ.»؛ «هریک از خلائق را در کاری غیر از کار خود ببینم: «در آن روز هرکسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می‌دارد. در آن روز چهره‌هایی درخشانند. خندان و شادانند و در آن روز چهره‌هایی است که بر آن‌ها غبار نشسته و آن‌ها را تاریکی پوشانده است.»

ا. متن حاضر: «لِكُلِّ [...] قَتْرَةٌ» (عبس، ۳۷ تا ۴۱).

ب. متن غایب: «لِكُلِّ [...] قَتْرَةٌ» (عبس، ۳۷ تا ۴۱).

ج. عملیات بینامتنی: امام سجاده علیه السلام عیناً آیات ۳۷ تا ۴۱ سوره عبس را در بین کلامشان آورده‌اند.

۲.۲. بینامتنیت دعای ابوحمزه ثمالی با قرآن به صورت نفی متوازی

در این نوع از روابط بینامتنی آیات قرآن با اندکی تغییر در ساختار صرفی یا نحوی آن در کلام به کار می‌رود. بدین ترتیب به شکل‌های گوناگون در ساختار آیه دخل و تصرف می‌شود؛ گاه با افزودن و گاه با کاستن و برخی اوقات با تغییر و برخی اوقات با تأخیر. بخشی از بینامتنیت قرآن با دعای ابوحمزه ثمالی از این دست است که حضرت با ایجاد تغییرهایی در ساختار آیات قرآن آن‌ها را به سبک خود در ادعیه‌اش به کار گرفته است.

۱.۲.۷. نمونه اول

«وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ. لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.»

هر سه نمونه مربوط به این فقره از دعای ابوحمزه ثمالی هستند.

أ. متن حاضر: «وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ.»؛ «و تویی کننده هرچه خواهی.»

ب. متن غایب: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ (حج، ۱۸)؛ «خداوند هرچه بخواهد انجام می‌دهد.»

ج. عملیات بینامتنی: امام سجاده علیه السلام در این قسمت از دعای ابوحمزه ثمالی آیه هجده سوره حج را با تغییراتی در افعال و ضمائر آورده‌اند.

۲.۲.۷. نمونه دوم

أ. متن حاضر: «تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ.»؛ «عذاب کنی هرکه را خواهی؛ به هرچه خواهی، به هرطوری که خواهی.»

ب. متن غایب: ﴿وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره، ۲۸۴)؛ «و هرکه را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند تعالی بر هر چیزی تواناست.»

ج. عملیات بینامتنی: امام سجاده علیه السلام در این قسمت از دعای ابوحمزه ثمالی آیه ۲۸۴ سوره بقره را با تغییراتی در افعال و ضمائر آورده‌اند.

۳.۲.۷. نمونه سوم

أ. متن حاضر: «و تَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ.»؛ «و رحم کنی هرکه را خواهی؛ به هرچه خواهی، هرطور که خواهی.»

ب. متن غایب: ﴿يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ﴾ (شوری، ۸)؛ «هرکه را بخواهد به رحمت خویش در می‌آورد.»

ج. عملیات بینامتنی: امام سجاده علیه السلام در این قسمت از دعای ابوحمزه ثمالی آیه هشت سوره شوری را با تغییراتی در افعال و ضمائر آورده‌اند.

۳.۷. بینامتنیت دعای ابو حمزه ثمالی با قرآن به صورت نفی کلی

در این نوع از روابط بینامتنی، با الهام گرفتن از آیه قرآن و پس از دریافت مضمون آن، مفهوم آیه را با تعبیری جدید بازآفرینی می‌کند؛ به صورتی که خواننده حضور متن غایب قرآن را احساس نمی‌کند.

۱.۳.۷. نمونه اول

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَا رَجَوْتُ غَيْرَهُ لِأَخْلَفَ رَجَائِي.»

نمونه‌های اول و دوم مربوط به این فقره از دعای ابو حمزه ثمالی است.

ا. متن حاضر: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ.»؛ «و سپاس خداوند عز و جل را که به غیر او امید نبندم.»

ب. متن غایب: «قَالَ مَعَادُ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف، ۲۳)؛ «[یوسف] گفت: ”پناه بر خداوند عز و جل! او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند.“»

ج. عملیات بینامتنی: خداوند عز و جل در آیه ۲۳ سوره یوسف می‌فرماید که حضرت یوسف در حساس‌ترین صحنه زندگی خود از ماسوی‌الله قطع امید کرد و فقط چشم طمع و امید کمک از درگاه او داشت. امام عز و جل هم می‌فرمایند که امید من به سوی اوست و از غیر او امید و چشم‌داشتی ندارم.

۲.۳.۷. نمونه دوم

ا. متن حاضر: «وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لِأَخْلَفَ رَجَائِي.»؛ «[...] که اگر جز به او امید می‌بستم ناامیدم می‌کرد.»

ب. متن غایب: «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السَّجْنِ بَعْضَ سِنِينَ» (یوسف، ۴۲)؛ «و [یوسف] به آن کس از آن دو که گمان می‌کرد خلاص می‌شود گفت: ”مرا نزد آقای خود به یاد آور“؛ [ولی] شیطان یادآوری به آقایش را از یاد او برد؛ در نتیجه چند سالی در زندان ماند.»

ج. عملیات بینامتنی: خداوند ﷻ در آیه ۴۲ سوره یوسف می فرماید که وقتی حضرت یوسف علیه السلام برای رهایی خود از زندان به بنده‌ای از بندگان [هم‌زندانی خود] متوسل شد، این امید و توسل نه تنها نتیجه‌ای نبخشید؛ بلکه مشکلتش را دوچندان کرد. امام علیه السلام با نگرش به این آیه است که می‌فرمایند که اگر به غیر خداوند ﷻ امید داشته باشم هرآینه ناامید شده و تیر امیدم به سنگ خواهد خورد.

۳.۳.۷. نمونه سوم

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً وَ الْإِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمْلَكَ مُبَاحَةً.»

نمونه‌های سوم تا پنجم مربوط به این فقره از دعای ابوحمزه ثمالی است.

أ. متن حاضر: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً.»؛ «خدایا! راه‌های درخواست حاجت‌هایم را به‌جانب تو باز می‌یابم.»

ب. متن غایب: «وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا» (ابراهیم، ۱۲)؛ «و چرا بر خداوند ﷻ توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است.»

ج. عملیات بینامتنی: خداوند ﷻ در آیه دوازده سوره ابراهیم از زبان حال متوکلان می‌گوید که چرا متوکل بر او نباشیم! و حال آنکه او فلاح و صلاح را به ما آموخته است. براین اساس امام علیه السلام می‌فرمایند که من راه رسیدن به خواسته‌های خود را روشن می‌بینم.

۴.۳.۷. نمونه چهارم

أ. متن حاضر: «وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً.»؛ «و آبشخورهای امید را نزد تو پُر می‌بینم.»

ب. متن غایب: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه، ۵۰)؛ «گفت: ”پروردگار ما کسی است که هرچیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.“»

ج. عملیات بینامتنی: در آیه پنجاه سوره طه آمده است که خداوند ﷻ هرچیزی را آفرید و راه رسیدن به کمال را در وجود او قرار داد. بر این مبنا امام علیه السلام می‌فرمایند که من

آبشخورهای امیدواری (اسباب کسب موفقیت) را برای رسیدن به مقام قرب تو در وجود خود به ودیعه نهاده می‌بینم.

۵.۳.۷. نمونه پنجم

ا. متن حاضر: «وَ الْإِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً.»؛ «و یاری خواستن از فضل، برای آن که تو را آرزو کرد بی مانع می‌بینم.»

ب. متن غایب: «وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء، ۳۲)؛ «و از فضل خداوند ﷻ درخواست کنید که خداوند ﷻ به هر چیزی داناست.»

ج. عملیات بینامتنی: آیه ۳۲ سوره نساء دستور می‌دهد که همواره فضل خداوند ﷻ را برای خود بخواید. این کنایه از این است که برای بهره‌مند شدن از فضل خداوند ﷻ مانعی در سر راه شما نیست؛ بلکه باید همت کرده و از فضل او بهره بجوید. با نگاه به این آیه است که امام علیه السلام می‌فرماید که استعانت از فضل تو، برای کسی که امیدوار به درگاهت باشد سهل خواهد بود.

۶.۳.۷. نمونه ششم

«تَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنَّعْمِ وَ نُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَ لَمْ يَزَلْ وَ لَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ وَ تَقْضِ لَ عَلَيْنَا بِالْإِنِّكَ.»

نمونه‌های ششم تا نهم مربوط به این فقره از دعای ابوحمزه ثمالی است.

ا. متن حاضر: «تَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنَّعْمِ وَ نُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ.»؛ «تو با نعمت‌ها به ما مهر می‌ورزی و ما با گناهان با تو مقابله می‌کنیم.»

ب. متن غایب: «وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَى بِجَانِبِهِ» (اسراء، ۸۳)؛ «و چون به انسان نعمت ارزانی داریم روی می‌گرداند و پهلو تهی می‌کند.»

ج. عملیات بینامتنی: خداوند ﷻ در آیه ۸۳ سوره اسراء می‌گوید که وقتی به او نعمت دادیم او به ما پشت می‌کند. امام علیه السلام این مطلب را در بیان خود به صورت دعا به درگاه خداوند ﷻ عرض می‌کنند که تو به ما عشق می‌ورزی؛ ولی ما با تو معارضه می‌کنیم.

۲.۳.۷. نمونه هفتم

ا. متن حاضر: «خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَ شَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ.»؛ «خیرت به سوی ما سرازیر است و بدی ما به سوی تو بالا می آید.»

ب. متن غایب: ﴿وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا﴾ (معارج، ۲۱)؛ «و چون خیری به او رسد بخل و ورزد.»

ج. عملیات بینامتنی: خداوند ﷻ در آیه ۲۱ سوره معارج می فرماید که هرگاه به انسان خیری (مالی) دهیم او از دادن آن دریغ می ورزد. با نگرش به محتوای این آیه است که امام علیؑ می فرماید که تو خیررسان به بندگانی؛ لیکن بندگان شررسان به تو می باشند.

۸.۳.۷. نمونه هشتم

ا. متن حاضر: «وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ.»؛ «همواره فرشته کریمی به همراه کردار زشت ما به جانب تو می آید.»

ب. متن غایب: ﴿وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ * كَرَامًا كَاتِبِينَ * يَكْتُبُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ (انفطار، ۱۰ تا ۱۲)؛ «و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده] اند؛ [فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند. آنچه را می کنید می دانند.»

ج. عملیات بینامتنی: آیات ده تا دوازده سوره انفطار می فرماید که به درستی نویسندگان بزرگوار بر شما گمارده ایم که آنچه را شما انجام می دهید می دانند. با نگرش به این آیات امام علیؑ می فرماید که تا بوده و هست آن ملک بزرگوار بدی ها و زشتی هایی را که ما مرتکب می شویم به نزد تو می آورد.

۹.۳.۷. نمونه نهم

ا. متن حاضر: «فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ وَ تَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِثْمِ.»؛ «و این امر مانع نمی شود از اینکه ما را با نعمت هایت فراگیری و به عطاهای برجسته ات بر ما تفضل نمایی.»

ب. متن غایب: ﴿ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (یوسف، ۳۸)؛ «این از عنایت خداوند ﷻ بر ما و بر مردم است؛ ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.»

ج. عملیات بینامتنی: در آیه ۳۸ سوره یوسف از لسان آن پیامبر خدا ﷺ آمده است که اگر انسان به توفیقی دست می یابد از باب فضلی است که خداوند کریم به او عنایت می کند؛ و الا اگر بنا باشد خداوند ﷻ در ازای اعمال بندگان به آنان نعمتی عطا کند، زشتی های آنان به مراتب بیشتر از اعمال نیکشان بوده و آن را محو خواهد کرد. بر این مبنا امام علیؑ می فرماید که اعمال قبیح ما مانع فیض رسانی تو نشده و تو از باب تفضل نعمت را به ما هدیه می کنی.

۱۰.۳.۷. نمونه دهم

«سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَ أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَ الْجَانِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَهُ وَ الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَ الْفَقِيرُ الَّذِي أَعْنَيْتَهُ وَ الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ وَ الدَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ وَ السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَ السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ وَ الْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَ الْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلْتَهُ وَ أَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَ الْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَ أَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوْيْتَهُ.»

این فقره از دعای ابو حمزه ثمالی مربوط به نمونه های دهم تا بیست و هفتم است.

أ. متن حاضر: «سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ.»؛ «آقای من، منم کودکی که پروریدی.»

ب. متن غایب: ﴿ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لْتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ﴾ (غافر، ۶۷)؛ «بعد شما را [به صورت] کودکی برمی آورد تا به کمال قوت خود برسید.»

ج. عملیات بینامتنی: روابط بینامتنی نمونه های دهم تا بیست و هفتم به صورت یکجا در پایان نمونه بیست و هفتم آورده شده است.

۱۱.۳.۷. نمونه یازدهم

أ. متن حاضر: «وَ أَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ.»؛ «منم نادانی که دانا کردی.»

ب. متن غایب: ﴿وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ﴾ (نساء، ۱۱۳)؛ «و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت.»

۱۲.۳.۷. نمونه دوازدهم

ا. متن حاضر: «وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتُهُ.»؛ «و منم گمراهی که هدایت کردی.»

ب. متن غایب: ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ (اعراف، ۴۳)؛ «و می گویند ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود و اگر خداوند ﷻ ما را رهبری نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم.»

۱۳.۳.۷. نمونه سیزدهم

ا. متن حاضر: «أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتُهُ.»؛ «منم افتاده ای که بلندش کردی.»

ب. متن غایب: ﴿وَرَفَعْنَا مَكَانًا عَلِيًّا﴾ (مریم، ۵۷)؛ «و [ما] او را به مقامی بلند ارتقا دادیم.»

۱۴.۳.۷. نمونه چهاردهم

ا. متن حاضر: «وَ أَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتُهُ.»؛ «منم هراسانی که امانش دادی.»

ب. متن غایب: ﴿وَأَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قریش، ۴)؛ «و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد.»

۱۵.۳.۷. نمونه پانزدهم

ا. متن حاضر: «وَ الْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتُهُ.»؛ «و گرسنه ای که سیرش کردی.»

ب. متن غایب: ﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ﴾ (قریش، ۴)؛ «همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد.»

۱۶.۳.۷. نمونه شانزدهم

ا. متن حاضر: «وَ الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتَ.»؛ «و تشنه ای که سیرایش کردی.»

ب. متن غایب: ﴿وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُورَاتًا﴾ (مرسلات، ۲۷)؛ «و به شما آبی گوارا نوشانیدیم.»

۱۷.۳.۷. نمونه هفدهم

- أ. متن حاضر: «وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ.»؛ «و برهنه‌ای که لباسش پوشاندى.»
- ب. متن غایب: ﴿قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا﴾ (اعراف، ۲۶)؛ «در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است.»

۱۸.۳.۷. نمونه هجدهم

- أ. متن حاضر: «وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَعْيَيْتَهُ.»؛ «و تهی‌دستی که توانگرش ساختی.»
- ب. متن غایب: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (نور، ۳۲)؛ «اگر تنگ‌دستانند خداوند ﷻ آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد.»

۱۹.۳.۷. نمونه نوزدهم

- أ. متن حاضر: «وَالصَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ.»؛ «و ناتوانی که نیرومندش کردی.»
- ب. متن غایب: ﴿وَنُؤِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً﴾ (قصص، ۵)؛ «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهمیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم.»

۲۰.۳.۷. نمونه بیستم

- أ. متن حاضر: «وَالدَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ.»؛ «و خواری که عزیزش کردی.»
- ب. متن غایب: ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ﴾ (آل عمران، ۱۲۳)؛ «و یقیناً خداوند ﷻ شما را در [جنگ] بدر، باآنکه ناتوان بودید، یاری کرد.»

۲۱.۳.۷. نمونه بیست و یکم

- أ. متن حاضر: «وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَّيْتَهُ.»؛ «و بیماری که شفایش دادی.»
- ب. متن غایب: ﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾ (شعراء، ۸۰)؛ «و چون بیمار شوم، او مرا درمان می‌بخشد.»

۲۲.۳.۷. نمونه بیست و دوم

أ. متن حاضر: «وَالسَّائِلُ الَّذِي أُعْطِيَتْهُ.» (و خواهشمندى كه عطایش كردى.)

ب. متن غایب: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي﴾ (بقره، ۱۸۶)؛ «و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، [بگو:] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم.»

۲۳.۳.۷. نمونه بیست و سوم

أ. متن حاضر: «وَالْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ.»؛ «و گنهکاری که گناهش را بر او پوشاندى.»

ب. متن غایب: ﴿لَا تُكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ (مائده، ۱۲)؛ «قطعاً گناهاتان را از شما می‌زدایم.»

۲۴.۳.۷. نمونه بیست و چهارم

أ. متن حاضر: «وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَتْهُ.»؛ «و خطاکاری که نادیده‌اش گرفتى.»

ب. متن غایب: ﴿وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ﴾ (احزاب، ۵)؛ «و در آنچه اشتباهاً مرتکب آن شده‌اید بر شما گناهی نیست.»

۲۵.۳.۷. نمونه بیست و پنجم

أ. متن حاضر: «وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثُرَتْهُ.»؛ «و اندکی که بسیارش فرمودى.»

ب. متن غایب: ﴿وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَفَتَكُمْ النَّاسُ فَاَوَّاكُمْ وَآيَدِكُمْ يَنْصُرُهُ﴾ (انفال، ۲۶)؛ «و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک و مستضعف بودید، می‌ترسیدید مردم شما را برابند؛ پس [خداوند ﷻ] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید.»

۲۶.۳.۷. نمونه بیست و ششم

أ. متن حاضر: «وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ.»؛ «و ناتوان شمرده‌ای که یاری‌اش دادى.»

ب. متن غایب: ﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ﴾ (توبه، ۲۵): «قطعاً خداوند ﷻ شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است.»

۲۷.۳.۷. نمونه بیست و هفتم

- ا. متن حاضر: «وَ أَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتُهُ.»؛ «و رانده شده‌ای که مأوایش بخشیدی.»
- ب. متن غایب: ﴿تَخَافُونَ أَنَّ يَتَخَضَّعَكُمْ النَّاسُ فَأَوَّاكُمْ﴾ (انفال، ۲۶): «می ترسیدید مردم شما را برابیند؛ پس [خداوند ﷻ] به شما پناه داد.»
- ج. عملیات بینامتنی: روابط بینامتنی نمونه‌های دهم تا بیست و هفتم به صورت یکجا در اینجا آورده شده است.

خداوند ﷻ در آیه ۶۷ سوره غافر می‌فرماید: شما طفل بودید و ما شما را بزرگ کردیم. در آیه ۱۱۳ سوره نساء می‌فرماید: شما جاهل بودید و ما شما را عالم کردیم. در آیه ۴۳ سوره اعراف می‌فرماید: اگر لطف خداوند ﷻ نبود شما هدایت نمی‌شدید. در آیه ۵۷ سوره مریم می‌فرماید: ما جایگاه و موقعیت شما را بالا قرار دادیم. در آیه چهار سوره قریش می‌فرماید: ما ترس شما را به امنیت تبدیل کردیم. در آیه ۲۷ سوره مرسلات می‌فرماید: ما به شما آب گوارا نوشاندیم. در آیه ۲۶ سوره اعراف می‌فرماید: ما برای شما لباس فرو فرستادیم تا وسیله پوشش شما باشد. در آیه ۳۲ سوره نور می‌فرماید: خداوند ﷻ است که نیاز شما را به بی‌نیازی تبدیل می‌کند. در آیه پنج سوره قصص می‌فرماید: ما به افراد ضعیف قوت می‌بخشیم. در آیه ۱۲۳ سوره آل عمران به مؤمنان تذکر می‌دهد که زمانی ذلیل بوده‌اند؛ لیکن خداوند ﷻ آنان را یاری کرده است. در آیه هشتاد سوره شعراء می‌فرماید: خداوند ﷻ است که مریض را شفا می‌دهد. در آیه ۱۸۶ سوره بقره می‌فرماید: خداوند ﷻ به سائل در خانه خود عطایی را می‌بخشد. در آیه دوازده سوره مائده می‌فرماید: خداوند ﷻ است که بدی‌های شما را می‌پوشاند. در آیه پنج سوره احزاب می‌فرماید: خداوند ﷻ شما را بر اشتباهاتتان [که ناخواسته از شما سر زده] مؤاخذه نخواهد کرد؛ یعنی با شما إقاله خواهد کرد. در آیه ۲۶ سوره انفال می‌فرماید: به خاطر بیاورید که زمانی شما اندک بودید؛ لیکن خداوند ﷻ شما را تأیید کرد. در آیه ۲۵ سوره توبه می‌فرماید: خداوند ﷻ شما را در مراحل زیادی یاری کرده است.

امام زین العابدین علیه السلام اعتراف و ایمان خود را به محتوای تک تک این آیات اعلام و آن را در قالب نیایش و دعا پذیرفته اند. به بیان دیگر می گوئیم: آن حضرت سپاس خود را در مقابل این همه الطافی که از ناحیه خداوند تعالی به وی عطا شده است ابراز می دارند.

۲۸.۳.۷. نمونه بیست و هشتم

«أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِيَّايَ أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي حَامِلًا ثَقْلِي عَلَي ظَهْرِي.»

این فقره از دعای ابو حمزه ثمالی مربوط به نمونه های بیست و هشتم تا سی ام است.

ا. متن حاضر: «أَبْكِي لِضَيْقِ لَحْدِي.»؛ «برای تنگی لحدم گریه می کنم.»

ب. متن غایب: «لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ» (زمر، ۱۶)؛ «آن ها از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از زیر پایشان [نیز] طبق هایی [آتشین است]. این [کیفری] است که خداوند تعالی بندگان را به آن بیم می دهد.»

ج. عملیات بینامتنی: خداوند تعالی در آیه شانزده سوره زمر می فرماید که زیان کاران از هر ناحیه (بالای سر و پایین پا) عذاب می شوند؛ لذا می توان گفت: با تصور چنین صحنه ای است که امام علیه السلام عرضه می دارند که من به خاطر تنگی لحدم گریانم.

۲۹.۳.۷. نمونه بیست و نهم

ا. متن حاضر: «أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِيَّايَ.»؛ «برای پرسش دو فرشته قبر (منکر و نکیر) از من گریه می کنم.»

ب. متن غایب: «وَ لَتَسْئَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۳)؛ «و از آنچه انجام می دادید حتماً سؤال خواهید شد.»

ج. عملیات بینامتنی: خداوند تعالی در آیه ۹۳ سوره نحل می فرماید که درباره عملکردتان سؤال خواهید شد. امام علیه السلام هم یکی از علل گریه خود را بازجویی منکر و نکیر از وی اعلام می کنند.

۳۰.۳.۷. نمونه سی ام

أ. متن حاضر: «حَامِلًا ثَقُلِي عَلَي ظَهْرِي.»: «درحالی که بار سنگینی را بر دوش می کشم.»

ب. متن غایب: ﴿وَهُمْ يُحْمَلُونَ أَوزَارَهُمْ عَلَي ظُهُورِهِمْ﴾ (انعام، ۳۱): «و آنان بار سنگین گناهانشان را به دوش می کشند.»

ج. عملیات بینامتنی: در آیه ۳۱ سوره انعام آمده است که تکذیب کنندگان لقای پروردگار، روز قیامت درحالی محسور می شوند که بارهای گناه بر دوش دارند و با عنایت به این آیه امام علیه السلام عرضه می دارند که من فردای قیامت سنگین بارم.

نتیجه گیری

قرآن کریم لایه های معنایی بسیاری دارد که کشف آن ها روش خاصی می طلبد. مطالعه قرآن کریم با رویکرد بینامتنیت نشان می دهد که از لایه های دلالی متعددی برخوردار است که هم مدلول درونی و هم مدلول بیرونی دارد. معانی درونی آن صرفاً با توجه به روابط درون متنی مختلف، از جمله روابط هم نشینی و جاننشینی شکل می گیرند؛ اما معانی بیرونی آن با کمک روابط بینامتنی اش با متون دیگر شکل گرفته و استعدادهای نهفته موجود در آن را آشکار می کند. برای راهیابی به این معانی و کشف آن ها، مفسر باید به توان بینامتنی، از جمله آشنایی با متون دیگر مرتبط با نص، مانند متون علمی و فلسفی و... مجهز باشد تا بتواند به دریافتهای صحیح و مناسب با متن راه یابد؛ ادعیه نیز می توانند به عنوان نمونه عالی از روابط بینامتنی در تفسیر قرآن به کمک ما بیایند؛ بنابراین با کمک مباحث بینامتنی می توان، ضمن پاسخ دادن به کثرت دلالت نشانه های نص قرآن کریم در موقعیت های متفاوت، ابزار به فعلیت رسیدن استعدادهای نص را فراهم و دلالت های پنهان آن را آشکار ساخت.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن طاووس حلی، علی، ۱۳۳۰ق، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، قم: دار الرضی.
۲. احمدی، بابک، ۱۳۷۰، ساختار و تأویل متن، تهران: نشر مرکز.
۳. امام سجاد علیه السلام، ۱۳۷۶، الصحيفة السجادية، قم: دفتر نشر الهادی.
۴. آلن، گراهام، ۱۳۸۰، بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
۵. رکنی یزدی، فاطمه، ۱۳۹۱، عرفان عملی در صحیفه سجادیه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، ۲۰۰۹، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر.
۷. عمرانی، مسعود، ۱۳۹۱، خداشناسی در دعای عرفه حضرت امام حسین علیه السلام، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. قائمی‌نیا، علیرضا، ۱۳۸۹، بیولوژی نص، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. قمی، شیخ عباس، ۱۳۴۴ق، مفاتیح الجنان، مشهد: بی‌نا.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، اصول الکافی، تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامیة.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
۱۲. محمدی، حمید، ۱۳۹۴، درسنامه صحیفه سجادیه، قم: دارالعلم.
۱۳. میرزایی، فرامرز و ماشاءالله وحیدی، بهار ۱۳۸۸، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱۶، ش ۲۲، ص ۲۹۹ تا ۳۲۲.
۱۴. نامور مطلق، بهمن، ۱۳۹۰، درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها، تهران: انتشارات سخن.
۱۵. نصیری، علی، ۱۳۸۵، آشنایی با علوم حدیث، چ ۵، قم: مرکز انتشارات حوزه علمیه.

